

حدیث

انس زیاد، ابّهت را از میان می‌برد.

حضرت رضا علیه السلام، أعلام الدین

تفأل

ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز
عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز
فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل
ببریده‌اند بر قد سروت قبای ناز

صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی هنری خراسان

مدیر عامل:
رضا غیاث آبادی

مدیرمسئول و سردبیر:
حامد رحیم‌پور

دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵

خراسان رضوی
WWW.KHORASANONLINE.IR

روزنامه سیاسی، اقتصادی فرهنگی، اجتماعی خراسان‌رضوی

سه شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵ ■ شماره ۶۲۳۰ ■ ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■

چهره ها

برای بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی تا پای شهادت کار می‌کنیم

رئیس جمهور در آیین آغاز مرحله جدید محله محوری و حکمرانی محلی گفت: اقدامات تروریستی با هدف ایجاد مانع در مسیر توسعه و توانمندسازی جامعه صورت می‌گیرد. نگاه مسئولان در ارائه خدمات و تعامل با عموم جامعه باید فراگیر و به دور از تبعیض باشد.

وی افزود: دشمنان نتوانستند و نخواهند توانست با جنگ کشور ما را به زانو درآورند و وادار به تسلیم کنند. برقراری ارتباط و تعامل با کشورهای همسایه اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است. آمریکا و دشمنان با ایجاد محدودیت و تحریم، در پی به زانو درآوردن کشورمان هستند.

پزشکیان همچنین اظهار کرد: ملت ما ایستاده‌اند و ما نیز قول می‌دهیم تا پای شهادت، هر کاری که از دستمان برمی‌آید برای بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی انجام دهیم.

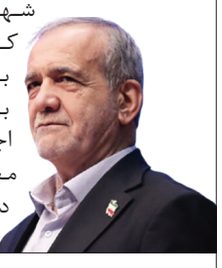

جهان دار مکافات است!

گروه سیاسی گزارش ها حاکی است حمید رسایی، نماینده مجلس، که برای طی دوران محکومیتش به زندان اوین رفته بود، چند روز قبل به مرخصی آمد که پس از حضور در مجلس و ایجاد جنجال بر سر عدم اتصال تبلتش به سیستم نمایندگان و به تعطیلی کشاندن جلسه علنی روز یک شنبه، مدت ۶ روزه مرخصی اش به پایان رسیده و به‌رغم پایان این مدت همچنان از بازگشت به زندان و معرفی خود امتناع کرده است. این در حالی است که بارها رسایی به دلیل مشابه به چهره هایی که دیرتر از موعد مقرر مرخصی به زندان برمی گشتند، اعتراض می کرد. از روز گذشته، تصویری از کانال شخصی او که اعتراضش به دیر برگشتن مهدی هاشمی به زندان پس از مرخصی را در سال ۱۳۹۵ نشان می دهد، در فضای مجازی پربازدید شده است.



ایکس روز



محمد مخبر
@MokhberOfficial

Show translation

«مسیرهای جعلی» هرگز جایگزین «کریدورهای واقعی» نخواهند شد؛ چه در جنوب ایران باشد چه در شمال. چه مسیر جنوبی تنگه هرمز باشد چه TRIPP (#زنگزور). منافع ژئوپلیتیک ایران در منطقه خط قرمز ماست و اجازه دور زدن آن را نخواهیم داد. از تنگه هرمز درس بگیرید.

محمد مخبر مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در صفحه شخصی خود نوشت: «مسیرهای جعلی» هرگز جایگزین «کریدورهای واقعی» نخواهند شد؛ چه در جنوب ایران باشد چه در شمال. چه مسیر جنوبی تنگه هرمز باشد چه TRIPP (زنگزور).
منافع ژئوپلیتیک ایران در منطقه خط قرمز ماست و اجازه دور زدن آن را نخواهیم داد. از تنگه هرمز درس بگیرید.

نگاه سوم



بقایای یک پهپاد ایرانی در نزدیکی پایگاه های نظامی آمریکایی، در مجاورت پایگاه "علی السالم" آمریکا با نقاشی ای از کودکان میناب.

ماجرای حرکت نفتکش ها به سمت تنگه هرمز چه بود؟

شکستن محاصره در دست اقدام

موسویان چند روز قبل، خبری مبنی بر آمادگی ایران برای شکستن محاصره با حرکت قطاری تعدادی نفتکش از مبدأ ایران به سمت شرق آسیا منتشر شد که با سرعتی قابل توجه رسانه ها را درنوردید؛ موضوعی که از سوی یک رسانه به عنوان پیشنهادی برای شکستن محاصره مطرح شده بود، با داده سازی های رسانه های خارجی و سایت های رهگیری نفتکش مثل تانکر ترکرز همراه بود و همزمانی آن با اظهارنظر عراقچی که از اهمیت شکستن محاصره گفت، نیز مزید بر علت شد تا جایی که این خبر روی آنتن صدا و سیما هم رفت و مطبوعات نیز در روز بعد به تفصیل بدان پرداختند. فارغ از این که امکان انجام این کار شاید در میان راه حل های نهادهای تصمیم گیر وجود داشته باشد؛ این موضوع باعث برانگیخته شدن احساسات مردم شد و بسیاری را که ملوانان این نفتکش ها را در قامت افرادی در حال انجام عملیات استشهادی دیدند، نگران کرد. در حالی که می شد به موقع این موضوع را تکذیب کرد تا حداقل از اثرات عمومی آن کاسته شود؛ این در حالی است که در نهایت این اتفاق هم به صورت رسمی نیفتاد تا همین موضوع به دستاویز جنگ روانی دشمن تبدیل شود و به همین بهانه هم اراده ایران برای شکستن محاصره را زیر سوال ببرند و هم برخی کانال های غیررسمی از انهدام چند نفتکش ایرانی توسط آمریکا خبر بدهند و شایعه جدیدی راه بیندازند.



جنگ رسانه ای شناختی، فعال ترین میدان امروز

بررسی نوع پوشش اخبار و انتشار برخی موضوعات بعضا قدیمی در فضای مجازی با هدف ایجاد جریان خبری و موج رسانه ای، مدتی است که به شدت افزایش پیدا کرده و مخصوصا در این روزها و هر چه به سالگرد کودتای صهیونی-آمریکایی دی ماه نزدیک تر می شویم؛ این جریان سازی ها با هدف ایجاد ناامیدی مردم و بر انگیختن احساسات توده ها، سیر صعودی نیز پیدا کرده است. در چنین شرایطی هم رسانه های رسمی و هم مخاطبان باید با توجه بیشتری راه را بر پیشبرد اهداف شوم دشمن در میدان جنگ رسانه ای شناختی ببندند.

در این میان باید توجه داشت که پیگیری مسائلی مثل شکستن محاصره به صورت جدی دنبال می شود و تهران نیز این موضوع را یک عمل جنگی علیه منافع خود و در چارچوب تلاش دشمن برای خالی کردن خیابان ها برای ورود عناصر مطلوب خودش ارزیابی می کند. در همین زمینه باید توجه داشت که برای شکستن محاصره، عملیات های مختلفی هم در دست انجام و هم در دست بررسی است که جزئیات آن ها لزوما رسانه‌ای نمی‌شود. هرچند که از تحولات اخیر می توان متوجه شد که ایران تلاش هایی در فازهای مختلف سیاسی، نظامی و ... را برای شکستن محاصره آغاز کرده است. به عنوان مثال ایران در چند روز گذشته ضربه به شناورها، پهپادها، رادارها و جنگنده های آمریکا به عنوان مجری محاصره را آغاز کرده است و اراده سیاسی تهران نیز بر شکستن محاصره با هدف خروج از وضعیت نه جنگ و نه صلح قرار دارد.

نقطه‌زنی؛ این بار بقایی

سخنگوی وزارت خارجه: بسته‌بندی شیک سیدمجید موسوی برای آمریکایی ها در راه است!

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری دیروز پاسخگوی سوالات خبرنگاران بود و درباره وضعیت تبادل پیام ها با میانجیگران و موضوع خروج یا ماندن در NPT و ... نکاتی را بیان کرد که گزیده هایی از آن را در ادامه می خوانید.

● اگر طرف آمریکایی تعهدات خود را اجرا کند، در کوتاه ترین زمان ممکن امکان بازگشت امنیت به تنگه هرمز و منطقه وجود خواهد داشت. این به معنای نادیده گرفتن پیچیدگی های مربوط به این موضوع نیست؛ بلکه صرفاً تأکید بر این است که جمهوری اسلامی ایران می‌داند چه می خواهد، از حقوق مردم ایران و ابعاد آن آگاه است و در این زمینه به هیچ عنوان کوتاه نخواهد آمد.

● متأسفانه کشورهای هسته‌ای، در رأس آن ها آمریکا و متحدانش، این معاهده (NPT) را از معنا تهی کرده‌اند. عملاً کشوری که عضو این معاهده است، باید در برابر طرف هایی پاسخگو باشد که نه تنها عضو این سند نیستند، بلکه خودشان صاحب زرادخانه هسته‌ای هستند. این تناقض مهمی است که ایجاد کرده‌اند؛ آمریکا با تبعیت از رژیم صهیونیستی. این یک سؤال مهم است که در گفتمان شکل‌گرفته در ایران مطرح می‌شود مبنی بر این که چرا باید با وجود چنین وضعیتی، حضورمان در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تداوم ببخشیم. این بحثی است که ما به آن احترام می‌گذاریم و در جریان است، اما تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران تاکنون عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و مادامی که عضو این معاهده است، به تعهدات مندرج در این سند پایبند خواهد بود.

● اگر بخواهیم با همان ادبیات مقامات آمریکایی صحبت کنیم، از نشستن آن شکلی در تهران تا ایستادن به این شکل در چین، به این معناست که به احترام قدرت ایران ایستاده‌اند. اروپا شاید از تصویر محو نشده باشد، شاید عکاس داستان بوده است.

● جمهوری اسلامی ایران امروز این جایگاه را دارد که نه تنها بازیگری فعال، بلکه بازی‌سازی مؤثر باشد. هم روسیه و هم چین دوستان ما هستند و ما روابط بسیار خوبی با این دو کشور داریم.



هم پیش از برگزاری این نشست با این دو کشور در تماس بودیم و هم پس از برگزاری آن، از طریق سفارتخانه‌هایمان گفت‌وگوهایی داشتیم. بیانیه پایانی را هم که خودتان ملاحظه کردید و دیدید شامل چه موضوعاتی بود. بنابراین، اطمینان داریم که خودمان درباره خودمان تصمیم می‌گیریم و تصمیم‌گیری درباره ایران در جایی غیر از تهران انجام نخواهد شد.

● تهدیدهای آمریکا و لفاظی‌های این کشور امر جدیدی نیست و ما در یک معنا ۵۰ سال است با این تهدیدها مواجه هستیم. در دوره جدید نیز هر روز تهدید کردند و هر روز ادعای پیروزی داشتند. این‌ها در واقع عرض خود بردن و زحمت ما داشتن است.

این تهدیدها، همان طور که قبلاً هم عرض کردم، باعث خواهد شد ما در مواجهه با شرارت‌های آمریکا و دوستانش مصمم‌تر، منسجم‌تر و یکدل‌تر شویم.

● بهترین سناریو این است که (آمریکایی ها) زحمت را و شرشان را از این جا کم کنند. در مورد این‌که چه سناریویی وجود دارد و چه پاسخی داده خواهد شد، فکر می‌کنم آقای سید مجید موسوی (فرمانده هوافضای سپاه پاسداران) حتماً پاسخ را در بسته‌بندی شیک و مرتبی عرضه خواهند کرد و آن موقع متوجه خواهند شد.

● این حرف‌ها ادامه همان دروغی است که ۳۰ سال است در دنیا تکرار می‌کنند؛ مبنی بر خطر تسلیحات هسته‌ای ایران. خیلی ساده؛ با داستان دروغ سلاح هسته‌ای به اندازه کافی نتوانستند افکار عمومی را توجیه کنند، اکنون متوسل به دروغ دیگری در مورد به‌اصطلاح بمب کثیف ایران یا مباحث مرتبط با سدهای ایران شده‌اند. این‌ها دست‌وپا زدن‌های بی‌فایده برای توجیه جنایتی است که هیچ توجیهی نداشت و برای توجیه اقدام غیرقانونی‌ای است که باید در مورد آن به افکار عمومی خودشان و دنیا پاسخگو باشند.

● صداقت رئیس جمهور آمریکا را زیر سؤال نمی‌بریم؛ شاید واقعاً رهگیری کرده باشند، اما بعد از این که موشک‌ها به هدف اصابت کرده‌اند! یادم هست که در این زمینه هم پرسیدند؛ شاید ایراد از موشک‌های ما هم باشد. موشک‌های ما هم در طول این هفت، هشت ماه، بعد از این که زیاد تمرین کردند، راه دررو را هم یاد گرفته‌اند.

دشمن همزمان با تهدیدات نظامی، در تدارک مسلح کردن تروریست های داخلی برای آشوبی دیگر در کشور است؛ موضوعی که آمادگی همه جانبه ایران را می طلبد

اول فتنه، بعد جنگ!

مهدی برازنده تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران، باردیگر به اوج خود رسیده و علاوه بر اعلام تاریخ جدید شروع جنگ با ایران توسط رئیس دولت تروریستی آمریکا، شنیده ها حاکی از تلاش موساد برای مسلح کردن اشرار داخلی و ایجاد آشوبی دیگر است؛ شبیه آنچه در دی ماه سال قبل رخ داد. از سوی دیگر ایران نیز هوشیار است و با دستگیری تیم های تروریستی و مسلح و همچنین کورکردن رادارهای آمریکایی در منطقه و افزایش برد موشک های خود، سعی دارد هزینه آغاز جنگ دوباره توسط آمریکا و رژیم صهیونی را بالا ببرد.

روز گذشته، دونالد ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز، علت مشکلات اقتصادی آمریکا را به تلاش دموکرات ها و مسئله ایران مرتبط کرد و ضمن اعتراف به افزایش دامنه حملات و حتی گسترش برد موشک ها و سلاح های ناشناس ایرانی، اعلام کرد اگر توافقی با ایران حاصل نشود، به صدور دستور حملات نظامی پس از آغاز سال نو میلادی، یعنی در دی ماه امسال تمایل دارد.

در کنار اعلام تاریخ ترامپ برای حمله مجدد به ایران که ممکن است نوعی عملیات فریب برای ضربه غافلگیرکننده به ایران نیز ارزیابی شود، جک کین، ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا نیز در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی فاکس نیوز گفته است: موساد و سازمان سیا در حال مسلح کردن ده‌ها هزار نفر از ایرانیان هستند.

کنار هم قرار گرفتن این اظهارات و گزارش‌ها، از احتمال پیگیری همزمان فشار نظامی و امنیتی و تلاش برای فعال کردن عناصر مسلح و ناامن‌کننده در داخل ایران حکایت دارد؛ سناریویی که می‌تواند امنیت داخلی را همزمان با تهدید خارجی در معرض آزمون قرار دهد. البته نیروهای امنیتی ایران هوشیار هستند و فقط در یک نمونه روز گذشته وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «اعضای چهار هسته مسلح گروهک تجزیه طلب که درحال سازماندهی برای اقدامات تروریستی و ناامنی در داخل کشور بودند، در تور اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) قرار گرفتند و همه ۲۷ تروریست عضو این هسته‌ها شناسایی و بازداشت شدند. از این هسته‌های تروریستی ۵۲ قبضه سلاح کلاشینکف، ۹۴ تیغه خشاب به همراه یک دستگاه استارلینک کشف و ضبط شد.»

ایران علاوه بر آمادگی امنیتی و اطلاعاتی، در حوزه نظامی نیز طی چند روز گذشته با هدف قراردادن زیرساخت رادارهای آمریکایی و سامانه های پاتریوت در بحرین و کویت، سعی در کورکردن چشم آمریکا برای اقدام نظامی احتمالی در آینده دارد و تاکنون پهپادهای نسبتا قابل توجهی را در آسمان کشور منهدم کرده و حتی سالم به زمین نشانده است. اگر اقدامات دفاعی و شناسایی ایران را در کنار تاکید و تایید سران قوا و فرماندهان نظامی برای افزایش بُرد پرنده های ویرانگر ایرانی قرار دهیم، می توان به توفیق نظامی ایران در صورت خطای محاسباتی جدید دشمن در هفته ها و روزهای آینده امیدوار بود.

در کنار اقدامات امنیتی و نظامی، تهران گزینه های راهبردی دیگری را نیز برای پاسخ به خطای احتمالی واشنگتن روی میز دارد؛ گزینه هایی که می‌تواند معادلات بازدارندگی ایران را وارد مرحله تازه‌ای کند. علاوه بر تاکید ایران بر احقاق ۷ شرط خود در مذاکرات، آن طور که روز گذشته ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفته است، طرح خروج از NPT آماده است و هر زمان کشور به جمع بندی برسد، در کوتاه ترین زمان ممکن این طرح تصویب می شود. بنابراین خطای مجدد دشمن می تواند دست ایران را برای تحقق مطالبه ملی تغییر دکترین هسته ای ایران بازتر کند.



درنهایت و در شرایطی که دشمن، فشار نظامی و امنیتی را با تشدید جنگ اقتصادی گره زده است، صیانت از معیشت مردم دیگر صرفاً یک اولویت اقتصادی نیست، بلکه بخشی از راهبرد دفاع ملی محسوب می‌شود. برخورد قاطع با مخلان امنیت و اقتصاد و همزمان کاهش فشارهای معیشتی، می‌تواند مردم حاضر در خیابان و خارج از آن را در برابر سناریوهای آشوب و بی‌ثبات‌سازی مقاوم‌تر کند؛ چراکه عبور از تهدیدات پیش‌رو، علاوه بر آمادگی نظامی و امنیتی، به پشتوانه‌ای مستحکم در داخل نیاز دارد. در این باره محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، روز گذشته بر برخورد قاطع با مخلان امنیت و معیشت مردم تاکید کرد و گفت: «دشمن برای برهم‌زدن امنیت و تاب‌آوری مردم و افزایش فشار اقتصادی تمرکز کرده است. بخش‌های قضایی با مخلان امنیت و معیشت مردم، از کارگزارانی که کوتاهی کنند تا محتکران و مخلان اقتصادی، قاطعانه برخورد کنند.» بدون شک، این رویکرد می تواند به تقویت رابطه مردم و مجموعه دولت و حاکمیت برای شکست برنامه های آمریکا و رژیم صهیونی کمک کند.

دیدگاه

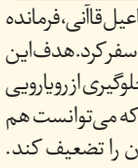

محمدعلی حسن نیا

روزنامه نگار

چرا جرف الصخر، بصره ثانی نشد؟

کتائب حزب‌ا... از حدود ۱۲ سال پیش، کنترل کامل منطقه جرف الصخر را در دست دارند. یک گزارش دولتی عراق در نوامبر ۲۰۲۶ تخمین زد که این گروه از سال ۲۰۲۱ صدها میلیون دلار نفت دولتی را قاچاق کرده است. نخست وزیر علی الزیدی پس از دریافت این گزارش، مهلتی تا بیستم نوامبر برای خروج کتائب حزب‌ا... تعیین کرد. این گروه با رد اولتیماتوم اعلام کرد حتی از روی جنازه‌هایمان هم عقب‌نشینی نمی‌کنیم. نیروهای امنیتی دولتی منطقه را محاصره کردند و تنش به اوج رسید و ممکن بود هر لحظه جنگ آغاز شود.

ورود سردار قاآنی و جلوگیری از رویارویی

در آستانه پایان مهلت، اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه، به بغداد سفر کرد. هدف این سفر، به گفته تحلیلگران، جلوگیری از رویارویی مسلحانه درون شیعی بود که می‌توانست هم دولت و هم متحدان ایران را تضعیف کند. حیدر الشکری از اندیشکده چتم‌هاوس می‌گوید مداخله قاآنی به نظر می‌رسد به یک راه‌حل مذاکره‌شده کمک کرده که در آن کتائب حزب‌ا... از شکست نظامی اجتناب می‌کند و بغداد حضور دولتی بیشتری تثبیت می‌کند.

نتیجه، استقرار نیروهای دولتی (پلیس فدرال، حشد وارتش) در منطقه بود، اما به گفته همان تحلیلگر، این کار از طریق مذاکره انجام شد، نه با شکست دادن یا خلع سلاح گروه. به عبارت دیگر، کتائب حزب‌ا... از نظر ساختاری عقب‌نشینی نکرد، بلکه صرفاً حضور دولت به شکل محدود پذیرفته شد.

مقایسه با بصره ۲۰۰۸

شباهت ساختاری روشن است: این ماجرا یادآور آن است که نوری مالکی در ۲۰۰۸، الزیدی در ۲۰۲۶ که با گروهی شیعه مسلح با نفوذ اجتماعی و کنترل یک منطقه راهبردی درگیر می‌شود.

در بصره، مالکی شخصاً فرماندهی عملیات صولة الفرسان را برعهده گرفت و در بیست‌وپنجم مارس ۲۰۰۸ با حدود ۱۵ هزار نیرو وارد شد. اما مقاومت جیش المهدی غیرمنتظره بود: طبق آمار رسمی، تاسی‌ویکم مارس ۲۱۰ نفر کشته و ۶۰۰ نفر زخمی شدند، و تا چهاردهم آوریل شمار کشته‌شدگان شبه‌نظامی به چهارصد نفر رسید؛ در حالی که دولت تنها ۱۵ کشته و ۴۰۰ زخمی در صفوف خود اعلام کرد.

تفاوت اساسی در دو چیز است. نخست، نقش بازیگر منطقه‌ای: در ۲۰۰۸، مقتدی صدر پس از چند روز درگیری، تحت فشار سیاسی و میانجیگری، دستور آتش‌بس داد و نیروهایش سلاح را زمین گذاشتند، اما خلع سلاح کامل جیش‌المهدی هرگز محقق نشد. در ۲۰۲۶، قاآنی پیش از هرگونه درگیری نظامی وارد شد و ترتیبی داد که کتائب حزب‌ا... بدون عقب‌نشینی کامل، حضور دولت را بپذیرد و بخشی از این منطقه در اختیار حشد قرار بگیرد.

دوم، ابعاد سیاسی: در ۲۰۰۸، مالکی از حمایت مرجعیت نجف و ائتلاف شیعه برخوردار بود؛ در ۲۰۲۶، الزیدی در نشست چارچوب هماهنگی با مخالفت رهبرانی مانند هادی العامری مواجه شد که جلسه را ترک کردند، نشانه‌ای از شکاف عمیق‌تر درون ائتلاف حاکم.

جمع‌بندی

جرف‌الصخر به بصره دوم تبدیل نشد، اما نه به این دلیل که دولت الزیدی قدرت بیشتری داشت. این یک سازش راهبردی بود، نه حمایت ایران از خلع سلاح. کتائب حزب‌ا... همچنان در صحنه حضور دارد و سؤال اصلی؛ آیا دولتی که خود الزیدی را معرفی کرده، می‌تواند خلع سلاح کامل را تا ژوئن ۲۰۲۷ محقق کند؟

نکته اساسی آن است که عراق صحنه اصلی درگیری ایران و آمریکاست. امری اجتناب ناپذیر. وقتی ترامپ علنا و رسما می گوید به کردهای تجزیه طلب ضد حکومت سلاح داده تا به سمت ایران حمله کنند، مشخص است که گروه های نزدیک به ایران احساس خطر کنند.

وقتی آمریکا با کمک کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به محور مقاومت حمله می کند، نتیجه‌اش این می شود که از عراق به سمت مخازن نفتی عربستان شلیک می‌شود. بنابراین نمی‌توان به راحتی ماجرای عراق را به حصر سلاح در دید دولت تفسیر کرد. این موضوع امری فراملی است.